



## Identification of Yaz I Culture (Early iron age) in Yarim Tappeh Dargaz, Khorasan

Mohammad Sheikh<sup>1</sup> Mina Jafari khanbehbin<sup>2</sup> & Rouhollah Shirazi

(1-22)

### Abstract

The northeast area of the Iranian plateau about 1500 B.C. enters the Iron Age after passing through the unknown and severe challenges of the second wave of urbanization. The cultural integration that dominated the northeast of the Plateau and Central Asia during the final Bronze age, titled "The Civilization of Great Khorasan" or the Bacteria-Margiana Archaeological Complex (BMAC), clearly breaks down after entering the second half of the second millennium B.C. In the western half of it, the southeast of the Caspian sea to the west of the Atrak Valley in North Khorasan; appears a culture with a fine and burnish gray pottery called "Dehestan". In contrast, in the center and eastern half of Khorasan and southern Turkmenistan, a distinctive culture with a characteristic of handmade pottery with the low build quality and often painted Yaz (Yaz I) enters the Iron Age. Apparently, this culture has no technological and cultural affinity with the Iron Age of a plateau and even the Dehestan area that is located near it. There has been no explicit comment on the type of Iron Age culture in the results of several field studies in Dargaz plain, sometimes mentioned term "First thousand B.C." the dumb and inefficient. But the geographical continuity of the Dargaz plain to the lowlands of Qara-e-Qum and its cultural integrity clearly indicates the presence of a culture of Yaz. In the present study, has been investigated the findings of pottery attributed to the Iron Age resulted from the systematic study of Yarim Tappeh Dargaz (1), have been drawn to outline this period in this region.

### Keywords

Khorasan, Dargaz plain, Iron Age, Yaz I Culture.

1. Corresponding Author: [Meem\\_sheikh@yahoo.com](mailto:Meem_sheikh@yahoo.com)

Ph.D. Candidate of Archeology, University of Torbat Heydarieh, Iran.

2. Master of Arts in Archaeology, University of Torbat Heydarieh, Iran.



## شناسایی فرهنگ یاز I (آهن آغازین) در یاریم تپه درگز، خراسان

محمد شیخ ۱

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان و مدرس گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربت حیدریه

مینا جعفری خان‌به‌بین

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی و مدرس گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربت حیدریه

روح الله شیرازی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

رویکرد علمی - پژوهشی

### چکیده

شمال شرق فلات ایران در حدود ۱۵۰۰ پ.م پس از گذر از چالش‌های ناشناخته و سهمگین موج دوم شهر نشینی وارد عصر آهن می‌شود. یکپارچگی فرهنگی‌ای که در طول دورهٔ مفرغ پایانی با عنوان «تمدن خراسان بزرگ» یا مجموعهٔ باستان‌شناختی بلخی-مروی (BMAC) بر شمال شرق فلات و آسیای میانه حاکم بود، پس از ورود به نیمهٔ دوم هزارهٔ دوم پ.م به روشنی دچار گسست می‌شود به طوری که در نیمهٔ غربی آن یعنی جنوب شرق خزر تا غرب درهٔ اترک در خراسان شمالی، فرهنگی با شاخصهٔ سفال خاکستری ظریف و داغدار به نام «دهستان» ظاهر و در مقابل، در مرکز و نیمهٔ شرقی خراسان و جنوب ترکمنستان فرهنگی متمایز با شاخصهٔ سفال دست‌ساز با کیفیت ساخت پائین و غالباً منقوش موسوم به یاز (یا I) وارد عصر آهن می‌شود. این فرهنگ ظاهراً هیچ نوع نسبت فن‌آورانه و قرابت فرهنگی‌ای با عصر آهن فلات و حتی ناحیهٔ دهستان که در همسایگی آن قرار گرفته، ندارد.

در برآیند چند پژوهش جسته و گریختهٔ میدانی در دشت درگز اساساً پیرامون جایگاه و نوع فرهنگ عصر آهن اظهار نظری صریح صورت نگرفته و گاه نیز از اصطلاح گنگ و ناکارآمد "هزارهٔ اول پ.م" سخن به میان آمده است اما پیوستگی جغرافیایی دشت درگز به سرزمین‌های پست قره قوم و یکپارچگی فرهنگی آن، به وضوح نشان از حضور فرهنگ یاز دارد. در پژوهش پیش رو با بررسی یافته‌های سفالی متناسب به عصر آهن حاصل از بررسی سیستماتیک یاریم تپه درگز (۱) به ترسیم نمای کلی این دوران در این ناحیه پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: خراسان، دشت درگز، عصر آهن، فرهنگ یاز I.



مقدمه:

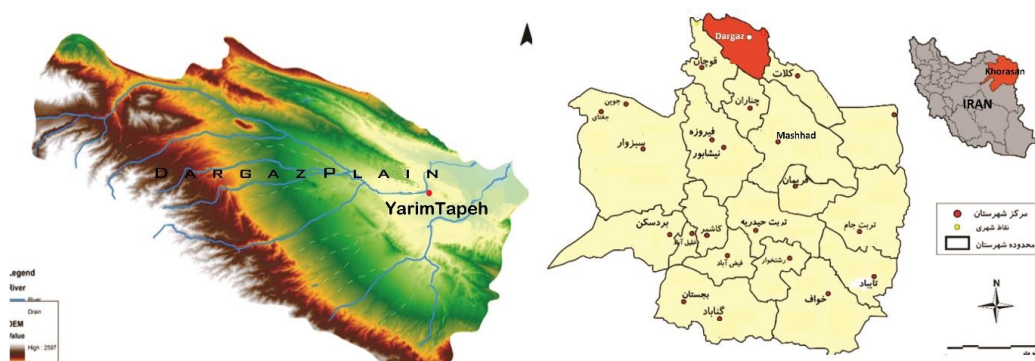
شمال شرق فلات ایران از نیمه دوم هزاره‌ی دوم، حدود ۱۵۰۰ پ.م پس از گذر از چالش‌های سهمگین دوران انحطاط شهرنشینی وارد عصر آهن می‌شود. تداوم یا عدم پیوستگی فرهنگی عصر مفرغ و آهن در این منطقه جای بحث بسیار دارد که از حوصله این نوشتار خارج است اما آن چه مسلم است برخی از پژوهشگران از جمله خلوپین (Khlopina, 1981) بر اساس شکلی از مشابهت‌های سفالی به نظریه پیوستگی فرهنگی میان عصر مفرغ و آهن (نمازگاه VI و I) و برخی نیز از جمله ماسون به چندین سده گسستگی زمانی و به تبع آن عدم تداوم فرهنگی معتقداند.

گفتنی است یک‌پارچگی و همانندی فرهنگی‌ای که در طول دوران مفرغ و البته پیش از آن بر شمال شرق فلات و آسیای میانه حاکم بوده بعد از ورود به عصر آهن به وضوح دچار گسست شده و دو فرهنگ کاملاً متفاوت ظاهر می‌شوند. در نیمه غربی یعنی جنوب شرق خزر به عبارتی دشت گرگان، ترکمن صحرا تا غرب حوزه رود اترک در خراسان شمالی، فرهنگی با شاخصه سفال خاکستری ظریف و داغدار موسوم به «دهستان» ظاهر می‌شود و هم‌زمان با آن در مرکز و نیمه شرقی خراسان و بخش بزرگی از آسیای میانه از اواسط هزاره دوم پ.م نیز با فرهنگی نوظهور با مختصات ویژه وارد عصر آهن می‌شود که تا اواسط نیمه پیشین هزاره نخست پ.م یعنی در موازات بازه زمانی مطابق با شاهنشاهی هخامنشی تداوم می‌یابد. فرهنگ مادی این دوران در آسیای میانه و به طور خاص در ترکمنستان و ناحیه شرقی و میانه‌ی خراسان، به عنوان «یاز» شناخته می‌شود. شناخت و ردیابی این فرهنگ‌ها در ایران مستلزم پژوهش‌های روشمند در قالب بررسی‌های گسترده در خراسان و جنوب شرق خزر و کاوش در محوطه‌های شاخص شناسایی شده است. در این صورت است که علاوه بر شناخت مختصات و ویژگی‌های اختصاصی هر کدام از این فرهنگ‌ها، گستره‌ی پراکندگی استقرارها به معنای دامنه نفوذ فرهنگ در پهنه جغرافیا و مرز میان آن‌ها نیز روشن خواهد شد.

پیشینه و ضرورت و روش پژوهش

دشت درگز در حاشیه غربی بیابان قره قوم و در حصار ارتفاعات هزارمسجد، الله اکبر و زرین کوه، در شمال شرق خراسان رضوی واقع شده است. درونگر مهم‌ترین رودی است که در این دشت با شاخه‌های اصلی و فرعی خود جاریست (شکل ۱). وجود رودخانه درونگر و سایر ویژگی‌های مربوط به دشت، از جمله اقلیم و شرایط زیست محیطی، بستر مساعدی را برای شکل‌گیری استقرار و تداوم روند آن در ادوار مختلف فرهنگی از جمله دوران پیش از تاریخ را در این دشت پدید آورده است.





شکل ۱: موقعیت سیاسی شهرستان درگز و جریان‌های سطحی آب در دشت درگز (شیخ، ۲۰۱۳:۲۰، شکل ۳-۲).

در پژوهش‌های پیشین عموماً بازه‌ی زمانی استقرار پیش از تاریخی در یاریم تپه درگز از دوره‌ی نوسنگی تا پایان عصر مفرغ تعیین شده و اساساً به وجود مواد فرهنگی متعلق به عصر آهن در دشت درگز اشاره نشده و یا دست کم از چگونگی و نوع فرهنگ حاکم و نیز بزرگی دامنه‌ی آن حرفی به میان نیامده است (Kohl & Heskell, 1980: 160-172). به عنوان مثال در پژوهش‌هایی که غالباً در قالب بررسی باستان‌شناختی از سوی اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان انجام گرفته صرفاً به اصطلاح گنگ و دوپهلوی «هزاره‌ی اول» اکتفا شده است (بختیاری شهری، ۱۳۷۵). در گاه‌نگاری آغاز تاریخی یاریم تپه نیز تا پیش از این جایگاه و نوع فرهنگ عصر آهن نامشخص و اظهار نظری علمی پیرامون آن وجود نداشته است. عمران گاراژیان با استناد به یافته‌های حاصل از بررسی، از عدم شناسایی فرهنگ یاز در دشت درگز می‌گوید (اگر چه احتمال حضور فرهنگ یاز I در یوخاری قلعه قره‌قویلو را می‌دهد) و اظهار می‌دارد: «آثار یاز تپه I [یاز I] در هیچ‌کدام از محوطه‌های دشت درگز با بررسی‌هایی که تاکنون انجام گرفته شناسایی نشده است» (گاراژیان، ۱۳۷۷: ۲۰۱) و تنها محوطه‌ی دارای فرهنگ یاز را در دشت درگز تپه قلعه کهنه‌میرقلعه در انتهای مرز شرقی ایران با ترکمنستان معرفی می‌کند (همان) اما فلیپ کوهل وجود فرهنگ یاز در دشت درگز را بدیهی و علت عدم شناسایی آن در بررسی‌های انجام شده را عدم جستجوی دقیق و کامل می‌داند (Kohl, 1984: 194).

طی عملیات میدانی در بررسی سیستماتیک یاریم تپه درگز و پس از مشاهدات مقدماتی هم‌چنین مستندسازی‌های نهایی، جامعه آماری نسبتاً بزرگی از یافته‌های متعلق به عصر آهن منطقه با فرهنگ یاز شناسایی شد. این مجموعه سفالی دربردارنده سه دوره فرهنگی یاز I، II و III و به طور میانگین ۱۰ درصد کل یافته‌های سفالی را تشکیل می‌دهند. گستره پراکندگی این یافته‌های سفالی وسعتی نزدیک به ۲ هکتار را در بر می‌گیرد که شاهدهی دیگر بر تائید این موضوع است.

در پژوهش پیش رو به بررسی و مقایسه تطبیقی سفالینه‌های منتسب به عصر آهن آغازین در یاریم تپه با مهم‌ترین استقرارهای شناسایی شده یاز I در خراسان و آسیای میانه به منظور بررسی حضور این فرهنگ و ترسیم نمای کلی این بازه زمانی در این تپه و به فراخور آن در دشت درگز پرداخته شده است.

## فرهنگ دهستان

فرهنگ دهستان به واسطه‌ی آن‌چه تا کنون شناسایی شده گستره‌ای از دشت‌های جنوب شرقی خزر، تمام منطقه ترکمن صحرا تا نواحی غربی رود اترک در خراسان شمالی را در بر می‌گیرد. تپه‌ریوی، بروسکی، بش تپه در دشت سملقان، جیران



تپه در دشت اسفراین مهم‌ترین این استقرارها هستند، که به تازگی مورد کاوش روشمند باستان شناختی قرار گرفته‌اند. با توجه به برآیند پژوهش‌های انجام گرفته دو سوم غربی خراسان شمالی دشت‌های بجنورد، اسفراین، مانه و سملقان و جاجرم ظاهراً حوزه نفوذ فرهنگ دهستان در خراسان قلمداد می‌شود (وحدتی، ۱۳۹۴: ۴۶). لازم به یادآوری است که قسمت‌های شمالی این ناحیه پیش از عصر آهن غیر مسکون بوده و با ورود به این دوره در حدود سده ۱۵ پ.م نخستین استقرارها در این ناحیه شکل گرفته و توسعه می‌یابد. اقتصاد معیشتی واحه‌های جمعیتی جدید اساساً مبتنی بر سیستم کشاورزی آبی است که با حفر شبکه‌ای از کانال‌های دقیق و پیچیده میان زمین‌های کشاورزی و رودها، اراضی این مناطق را در این دوره آبیاری می‌کنند. نواحی پیرامونی رود اترک و دشت مصریان در شرق خزر از این جمله‌اند. اساساً الگوی استقرار فرهنگ دهستان متفاوت است با آنچه در مناطق پیرامونی در ادوار گذشته سراغ داریم؛ در این ناحیه استقرارها به صورت محوطه‌های مرکزی بارودار و مجموعه‌ای از برجستگی‌های کوچک پیرامونی ظاهر می‌شوند (Kohl, 1984: 200-20). افق سفالی رایج در این مناطق را نیز سفال خاکستری ظریف با نقوش داغدار (در مرکز باروها) در بر می‌گیرد؛ اگرچه سفال نخودی و آجری ساده نیز در موارد با سفال خاکستری تولید و استفاده می‌شده است (وحدتی، ۱۳۹۴: ۴۶). به اعتقاد برخی از پژوهش‌گران منشأ سفال خاکستری دهستان باستان را باید در سفال خاکستری عصر مفرغ دشت گرگان پی‌گرفت. بررسی‌های آزمایش‌گاهی فلزات به دست آمده از محوطه‌های دهستان نیز نشان می‌دهد خاستگاه این فرهنگ در شمال شرقی ایران بوده است (Ibid: 207). از دیگر استقرارهای شاخص این فرهنگ مادائو تپه و عزت قلی در شرق دریای خزر در دشت مصریان ترکمنستان را می‌توان نام برد (سید سجادی، ۱۳۹۵: ۷۵۹).

### فرهنگ یاز

محوطه‌های وابسته به یاز I مانند فرهنگ‌های دوران آهن آغازین شمال ایران بیش‌تر از مجرای تغییرات موجود در مواد فرهنگی نشان داده شده‌اند تا تغییرات عمومی و ظهور ناگهانی ابزار و اشیاء آهنی. مواد فرهنگی در حاشیه شرقی کپت داغ و واحه مرو به ویژه در دوره مفرغ پایانی نوعی هم‌پوشانی معنادار دارند و با مواد فرهنگی شمال غرب ایران که وینسنت پیگوت (piggot, 1980) آن‌ها را به ۱۳۵۰/۱۴۵۰ - ۱۱۰۰ پ.م تاریخ‌گذاری کرده نیز کم و بیش هم‌زمان‌اند (سیدسجادی، ۱۳۹۵: ۷۴۷). این فرهنگ در تمامی آسیای میانه و نیمه شمالی - شرق - فلات ایران گسترش یافته و با سه زیر دوره یاز I، II و III شناخته می‌شود. برای مجموعه یاز I و II بین ۱۵۰۰ تا آغاز شاهنشاهی هخامنشی و یاز III نیز در موازات با این مقطع تاریخی و برابر با دوره IV عصر آهن فلات در نظر گرفته می‌شود (Cattani & Genito, 1998: 75). به طور کلی از دوره آهن آغازین با فرهنگ یاز I در آسیای میانه و ایران دستکم ۶۰ محوطه استقرار در قالب مراکز شهری و روستاهای کشاورزی یکجا نشین فتودالی و کوچ‌رو شناسایی شده که با توجه به گستردگی دامنه پراکندگی مکانی آن‌ها در ۵ محدوده جغرافیایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

**الف:** ایران که شامل شرق خراسان شمالی در دره‌های بالایی اترک (Riccardi, 1980: 58-59)، دشت اسفراین (جبران تپه) (وحدتی ۱۳۹۳) و شیروان (Biscione.R & A.Vahdati, 2011) و تقریباً تمامی گستره جغرافیایی خراسان رضوی از دشت مشهد (یام تپه) و نیشابور (شهرک فیروزه) (باصفا، ۱۳۹۲) و سبزوار (تپه دامغانی) (گاراژیان، ۱۳۹۱) تا دشت درگز (یاریم تپه و قلعه کهنه‌ی میر قلعه) (شیخ، ۱۳۹۳) مورد شناسایی قرار گرفته است.

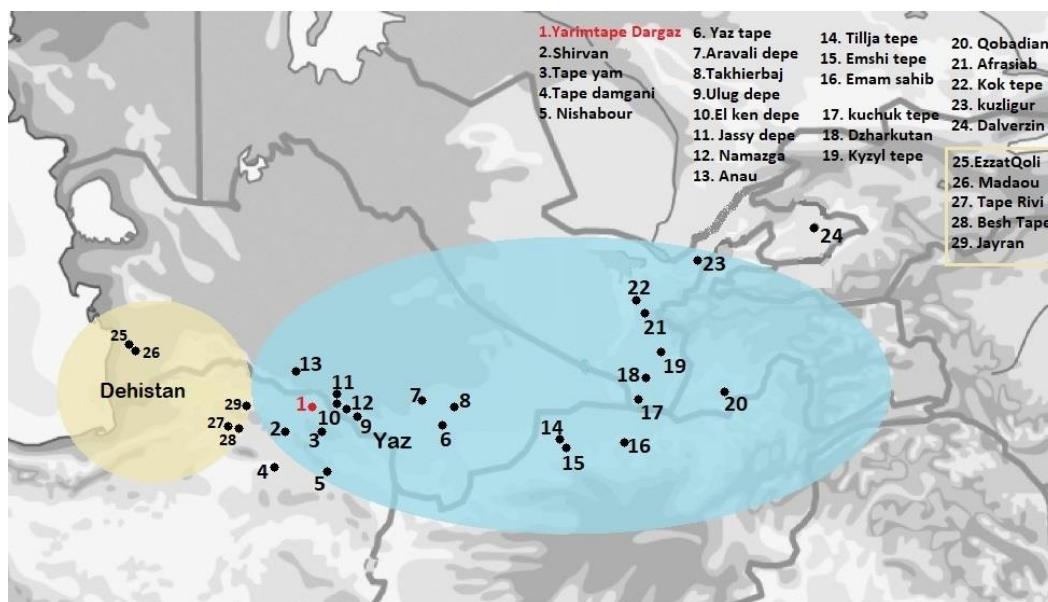
**ب:** حاشیه شرقی کوه‌پایه‌های کپت‌داغ و دره مرو؛ در ۳ واحه آتاک، یاز و اروالی با محوطه‌های کلیدی آلکن تپه در غرب نمازگاه در آتاک مرکزی که به روشنی نشانه‌های تداوم استقرار از مفرغ‌پایانی به آهن‌آغازین در آن قابل مشاهده است. یاسی تپه نیز در نزدیکی چخا که هر سه دوره یاز البته بدون تداوم استقرار از مفرغ‌پایانی در آن شناسایی شده است. محوطه یاز تپه در جنوب غربی طاهری و جنوب واحه مرو با ۱۶ هکتار اساساً مهم‌ترین استقرار این منطقه است. اروالی تپه در غرب یاز تپه نیز به همراه کهنه تپه و داشلی از مهم‌ترین این استقرارها محسوب می‌شوند.



**پ:** شمال باکتريا يا بلخ باستانی-جنوب ازبکستان و جنوب غرب تاجیکستان- با استقرارهای کلیدی قزل تپه به وسعت ۲۲ هکتار که در بردارنده هر سه دوره فرهنگ یاز است و در کهن ترین لایه آن مواد فرهنگی شاخص آلکن II، یاز I، تیلیاتپه I و II، خوست و دالورژین (۲) در کنار هم به دست آمده است. جار کوتان و البته کوچک تپه با ۵ هکتار وسعت که تداوم دوره مفرغ پایانی (کوچوک I) به آهن آغازین (کوچوک II-IV) در آن به روشنی قابل شناسایی است از دیگر استقرارهای شاخص جنوب ازبکستان است (سید سجادی، ۱۳۹۵: ۷۵۹)، کریم بردی و تاشگازار نیز از مهم ترین محوطه های جنوب غرب تاجیکستان هستند.

**ت:** جنوب باکتريا يا بلخ باستانی-شمال افغانستان- با محوطه کلیدی تیلیاتپه، امام صاحب و امشی تپه.

**ث:** سایر استقرارهای عصر آهن در شرقی ترین منطقه این فرهنگ با محوطه های قبادیان در کافر نیگان، کوزلی گور (۳)، فرهنگ بورگولیوک (۴) در تاشکند و افراسیاب در دره زرافشان که البته عموماً به میانه عصر آهن تعلق دارند از مهم ترین استقرارهای واقع در مرزهای شرقی این فرهنگ هستند (سید سجادی، ۱۳۹۵: ۷۵۹) (شکل ۲).



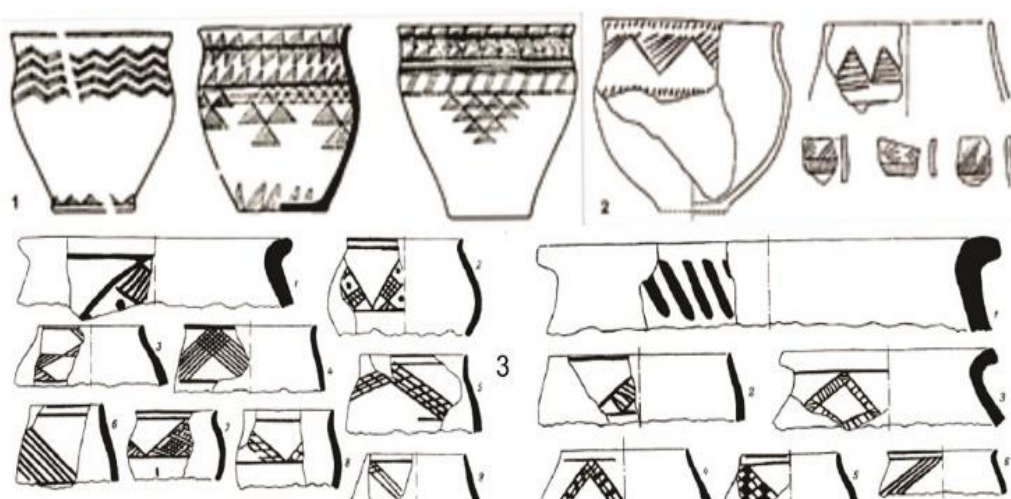
شکل ۲: گستره فرهنگ های عصر آهن آغازین در شمال شرق فلات و آسیای میانه

لازم به یادآوریست برخلاف ناحیه زیر نفوذ فرهنگ دهستان که در عصر آهن برای نخستین بار مسکون شده، پژوهش های باستان شناسی آسیای میانه، گاه نگاری پیوسته ای را در دوران پیش از تاریخ نشان می دهد که در بسیاری از محوطه ها تسلسل دوره ها در برخی استقرارها حتی از نوسنگی تا پایان عصر آهن ادامه داشته و این توالی پیوسته به روشنی نشان از شرایط مانای فرهنگی و زیست محیطی یا به عبارت صحیح تر، بستر مساعد زیست بوم در این گستره جغرافیایی دارد. در سده های آغازین این دوره در نیمه جنوبی آسیای میانه فرآیندهای اقتصادی قابل توجهی رخ می دهد اما تشکیلات فرهنگی اجتماعی آن تقریباً مطابق با سیستم های رایج در اواخر نمازگاه VI است؛ به صورتی که در مرکز هر واحه یک استقرار مجهز به برج و بارو به عنوان مکان مرکزی منطقه و با هدف هماهنگ کننده زندگی اجتماعی و اقتصادی مناطق پیرامونی به وجود می آید (Riccardi, 1980: 58-59) به عقیده برخی از پژوهشگران این الگوی استقراری، یادآور استقرارهای فتودالی است که در این دوره با تغییر الگوی نظام طبقات اجتماعی و بسترهای نوین فرهنگی بروز می کند.



## سفال یاز I

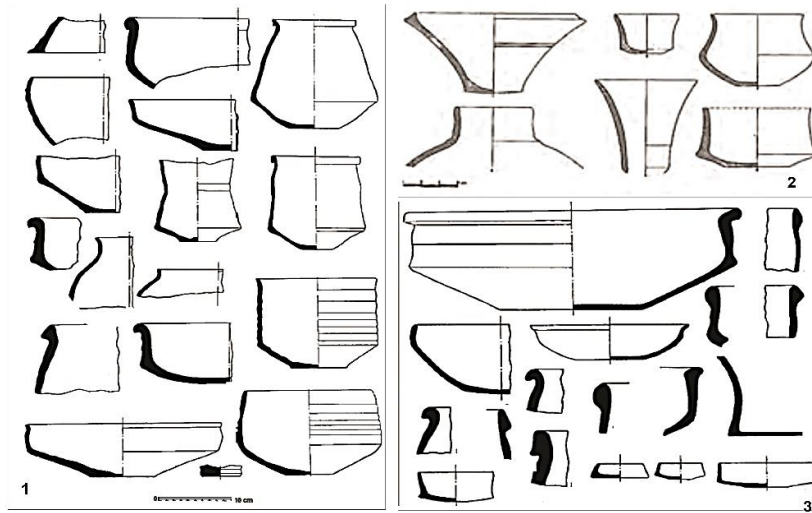
این گونه سفالی دست ساز و با گل خشن و بدون ورز در حرارت پائین تولید شده است. خمیرمایه آن پرتراکم و متشکل از دانه‌های ریز و درشت شن و ماسه و گاه خرده سفال می‌باشد. نقش‌مایه‌های گونه منقوش آن شامل اشکال ساده هندسی مانند مثلث و لوزی‌های مشبک و هاشور خورده هستند که با رنگ‌های قهوه‌ای، نارنجی، شرابی و سیاه روی سطح اغلب نخودی با دقت پائین و تا حدودی ابتدائی اجرا شده‌اند (Ricciardi, 1980: 58). ماسون و ساریانیدی در حد فرضیه سفال‌های یاز I را تفسیر یک‌جانشینی و اقتباسی از تکنیک سفالینه‌های نوع استپی خوانده‌اند (Masson & Sarianidi, 1972: 141) با این تفاوت که اشکال این سفالینه دست‌ساز تا حدودی از مراحل استپی پیچیده‌تر و مقدار خمیرمایه آن‌ها نیز بیش‌تر است اما بر خلاف سفال‌های نوع استپ-آندرونوو- به جای به کاربردن تکنیک کنده از نقاشی برای نقش‌اندازی روی سطح ظروف استفاده کرده‌اند (Boucharlat & et al, 2005: 10) (شکل 3).



شکل 3: 1 و 2: سفال نوع استپ-فرهنگ آندرونوو (Itina, 1977, fig.22) & (Kuzmina, 2008b, fig.93) 3: سفال یاز I، یازتپه. (Masson, 1959, PLXVII)

البته در این دوران هم‌چنان سنت سفالی دوران برنز متاخر یعنی ساخت سفال‌های دست ساز خاکستری صیقلی با کمی تغییرات ادامه می‌یابد (Cattani & Genito, 1998: 76). علاوه بر آن سرتیرهای سوراخ‌دار دو لبه و اشیای آهنی از مجموعه یاز I نیز بدست آمده است اما در یاز II سنت سفال‌های منقوش عصر آهن آغازین ناپدید ولی هم‌چنان سفال‌های خشن تولید می‌شوند. در این میان سفال‌هایی نیز وجود دارند که شاخصی برای دوره یاز II محسوب می‌گردند؛ از جمله کوزه‌ها یا خمره‌های استوانه‌ای که بر روی بدنه خود تزئینات شیاری یا نواری دارند. فرهنگ مادی این دوران در ترکمنستان در سفالینه‌ها، اشیاء و ابزارهای آهنی موجودیت خود را نشان داده است. مراحل پایانی فرهنگ عصر آهن در شمال شرق فلات و گستره وسیع آسیای میانه چه در فرهنگ یاز و چه در دهستان اساساً به سادگی از شاهنشاهی هخامنشی قابل تمایز نیستند. از این روی غالب پژوهش‌گران این حوزه گونه سفالی یاز III را هم افق دوره هخامنشی می‌دانند. به عنوان نمونه لوکمه معتقد به تداوم بدون تغییر فرهنگ و افق سفالی دهستان در دوره هخامنشی است (Lecomte, O, 2005: 465) (شکل 4).

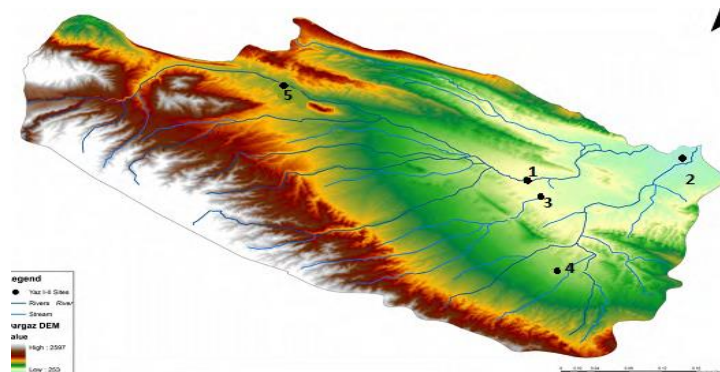




شکل ۴: ۱- انواع ظروف سفالی یاز II (یازتپه) (Masson, 1959, pl. XXXVIII). ۲- انواع ظروف سفالی یاز III (دره اترک) (Ricardi, 1980:61, fig E) ۳- انواع ظروف سفالی یاز III (واحه مرو) (Gubrev & Koshelenko & Tosi, 1998: 82-85).

### دوره آهن آغازین (یاز I) در دشت درگز

در این دوره چهار محوطه در دشت درگز شناسایی شده است (۵) که افت قابل توجهی در تعداد محوطه‌ها نسبت به دوره مفرغ پایانی دیده می‌شود. از این میان دو محوطه تپه صاحب‌جان یا قدمگاه و تپه‌نظر نیز ظاهراً برای نخستین بار در این دوره مسکون می‌شوند و محوطه‌های یاریم‌تپه و کهنه‌قلعه‌میرقلعه نیز استقرارشان از دوره پیشین به آهن تداوم می‌یابد. گفتنی است دامنه پراکندگی محوطه‌ها نشان از میان رفتن الگوی استقراری حاکم بر دشت دارد. از این روی به ظاهر استقرارهای تپه‌نظر، تپه‌لیک و کهنه‌قلعه‌میرقلعه از زیر حوزه نفوذ مکان مرکزی دشت- یاریم‌تپه- بیرون می‌آیند (باقی زاده، ۱۳۹۱: ۲۰۷) محوطه‌های یاریم‌تپه و کهنه‌قلعه‌میرقلعه به لحاظ زمین‌شناسی در منطقه کواترنری و به طور میانگین در ارتفاع ۵۵۰ متری از سطح دریا قرار گرفته‌اند. همان‌طور که پیش از این اشاره شد یاریم‌تپه به جهت قرارگیری در کنار شاخه فرعی رودخانه درونگر در موقعیت ممتازی در بهره‌برداری از آب قرار دارد به طوری که برای کشاورزی آبی بسیار مناسب است (شکل ۵) (همان: ۲۱۰-۲۲۰۹).



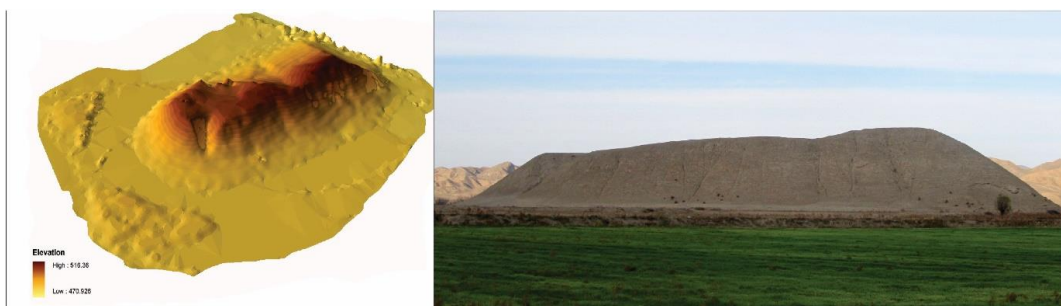
شکل ۵: پراکندگی محوطه‌های دارای فرهنگ یاز (عصر آهن) در دشت درگز (همان، ۲۰۷).





## یاریم تپه

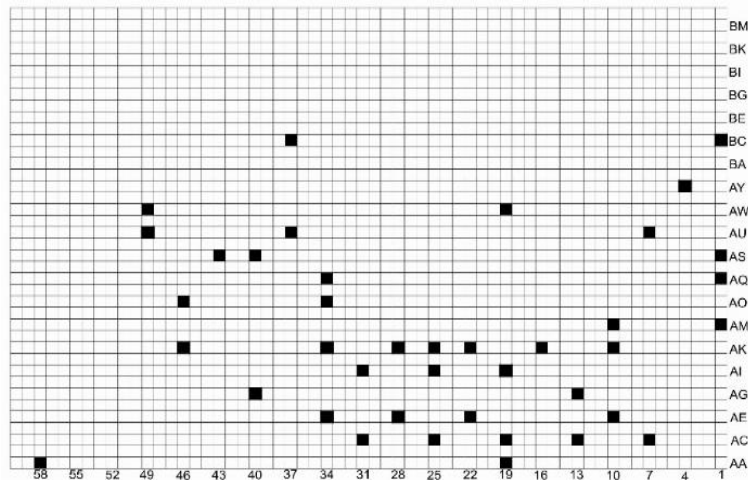
یاریم تپه مهم ترین استقرار پیش از تاریخی دشت درگز است که برای نخستین بار در بررسی شمال شرق ایران در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به سرپرستی دکتر نگهبان شناسایی و در سال ۱۳۴۶ با شماره ۶۷۵ در فهرست میراث ملی به ثبت رسید. این تپه بزرگ، در حدود ۱/۵ کیلومتری شمال غرب شهر درگز و در حفاصل اراضی بندیان و خاخیان واقع شده است. قاعده تپه مستطیل شکل و با طول تقریبی ۳۰۰ و عرض ۲۰۰ متر مساحتی در حدود ۶۰.۰۰۰ متر مربع را در بر می گیرد. کشیدگی تپه در جهت شرقی-غربی و گوشه جنوب شرقی آن حدود ۳۵ متر از سطح زمین های پیرامون بلندتر است (شکل ۶). علاوه بر مشخصات ساختاری که برشمرده شد، برخی از ویژگی های زیست محیطی و جغرافیایی چون خاک آبرفتی حاصل خیز- پیرامون استقرار، ارتفاع مناسب از سطح دریا، قرارگیری در مرکز دشت و مهم تر سهولت دسترسی به آب با قرارگیری در کنار یکی از شاخه های فرعی رودخانه درونگر و تراکم بالا و تنوع مواد فرهنگی سطحی و صدفی تراکم انباشت نهشته های فرهنگی که گاهنگاری پیوسته ای را دستکم از دوره نوسنگی تا پایان دوران تاریخی را نشان می دهد، این محوطه را منحصر به فرد کرده است. از این رو به عنوان مکان مرکزی نیز در راس نظام سلسله مراتب استقرارهای پیش از تاریخ این دشت قرار گرفته است. تنوع گونه ها و سبک های سفالی با مشخصه های فرهنگ های پیش از تاریخی و آغاز تاریخی شمال شرق و جنوب شرق و نجد فلات ایران و آسیای میانه، به ویژه جنوب ترکمنستان همه و همه نشان از ارتباطات گسترده و پیچیده و هم چنین برهم کنش های ناگزیر فرهنگی درون و برون منطقه ای در بستر زمان دارد (شیخ، ۱۳۹۳: ۲۴۶-۲۵۰)



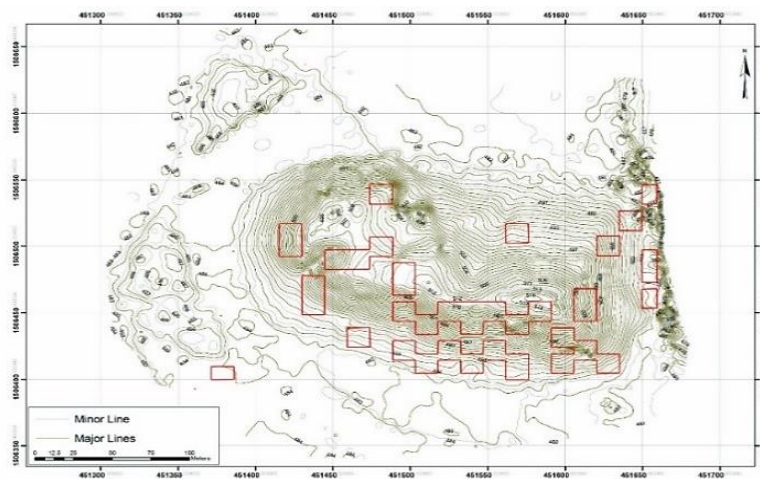
شکل ۶: یاریم تپه، برجستگی اصلی، دید از جنوب و توپوگرافی سه بعدی (شیخ، ۱۳۹۳: ۳۸، شکل ۸-۲).

## دوره آهن قدیم (I) و گستره استقرار آن در یاریم تپه

دامنه پراکندگی مواد فرهنگی سطحی متعلق به یاز I، به طور معناداری در رأس تپه و از شرق به غرب کشیده شده و با ۸۶۲۵ مترمربع وسعت، مساحتی نزدیک به یک هکتار را در بر گرفته است. (شکل ۷ و ۸) (شیخ، ۱۳۹۳: ۲۲۱).



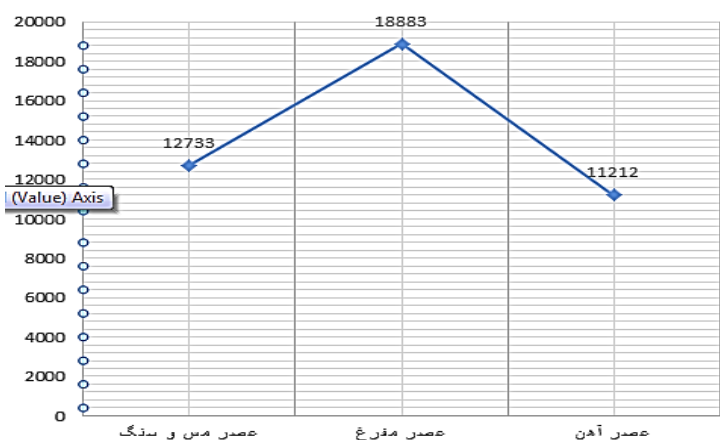
شکل ۷: پراکندگی مواد فرهنگی متناسب به آهن آغازین (یازا I) در یاریم تپه (در شبکه) (شیخ، ۱۳۹۳: ۲۲، شکل ۲۳-۵).



شکل ۸: گستره استقرار آهن قدیم (یازا I) در یاریم تپه درگز (شیخ، ۱۳۹۳: ۲۲، شکل ۲۳-۵).

با توجه به بزرگی دامنه پراکندگی مواد فرهنگی سطحی سایر استقرارهای پیش از تاریخی یاریم تپه از جمله مس و سنگ و مفرغ، گستره استقرار در عصر آهن کمترین مساحت و به فراخور آن کمترین میزان نهشته گذاری را نیز دربردارد (نمودار ۱). بزرگی استقرار در این دوره به ویژه نسبت به دوره پیشین خود تقریباً کاهش دو برابری داشته و از ۲۰۲۵۵ متر مربع در مفرغ پایانی به ۸۶۲۵ متر مربع در آهن آغازین رسیده است. کاهش مساحتی بی سابقه برابر با ۱۱۹۲۵ متر مربع که طی آن بیش از نیمی از وسعت استقرار کاسته شده است و دست کم در حد فرضیه می تواند به مثابه‌ی وقوع بحرانی فرهنگی یا زیست محیطی در این بازه زمانی در یاریم تپه و البته در مقیاسی گسترده تر در دشت درگز و جنوب ترکمنستان تفسیر شود (شیخ، ۱۳۹۳: ۲۶۹).





نمودار ۱: مقایسه میانگین مساحت استقرارها در دوران مس و سنگ، مفرغ و آهن در یاریم تپه (همان).

### یافته‌های سفالی آهن آغازین (Iاز) در یاریم تپه

سفالینه‌های منتسب به یاز I در این محوطه اساساً در ۲ گروه کلی ساده و منقوش قرار می‌گیرند.

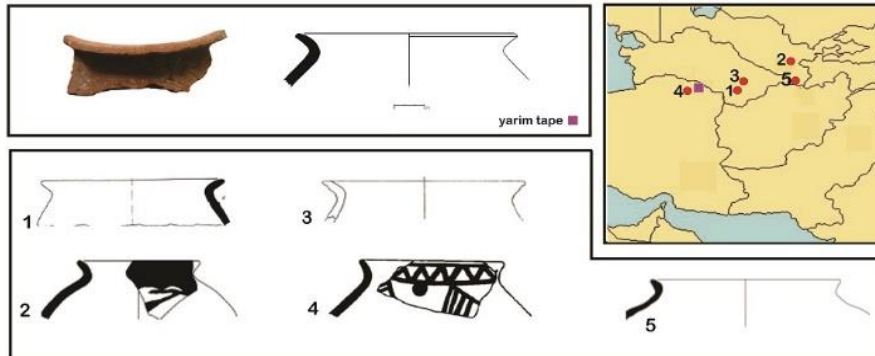


#### سفال ساده یاریم تپه

این گونه سفالی خود به دو گروه خاکستری و نخودی-آجری تقسیم می‌شود. سفال‌های خاکستری اصولاً مشابه نمونه‌های دست‌ساز و صیقلی اواخر مفرغ پایانی است و به واقع در ادامه همان سنت سفالی قرار می‌گیرد و درصد پائینی از کل یافته‌ها را تشکیل می‌دهند اما سفال‌های ساده نخودی و آجری رنگ به لحاظ کیفی کاملاً منطبق با نوع منقوش است. فرم‌های کلی نیز مشابه نمونه‌های منقوش شامل خمره یا تنگ‌های دهانه باز و استوانه‌ای، خمره‌های کروی دهانه تنگ با لبه کمی به بیرون برگشته و همچنین دیگ‌های دارای دسته‌های افقی در دو سوی ظرف و البته قوری‌ها یا ظروف نیم‌کروی با لوله کوتاه و فاقد دسته و... می‌شوند. از مجموع سفالینه‌های ساده نخودی و آجری منتسب به یاز I در یاریم تپه، شش قطعه با فرم‌های پرتکرار انتخاب و همچنین ۹ قطعه منقوش به منظور تدوین گاه‌نگاری نسبی و اثبات وجود برهم کنش فرهنگی منطقه‌ای و همچنین بررسی میزان همانندی مشخصات کیفی و ساختاری سفالینه‌های منتخب، مجموعه‌ای از سفالینه‌های متعلق به استقرارهای شاخص فرهنگ یاز I و فرهنگ‌های هم‌افق آن در گستره پهناور آسیای میانه از غرب تاجیکستان، جنوب ازبکستان، شمال افغانستان، جنوب و غرب ترکمنستان و همچنین شمال شرق فلات ایران مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. برخی از مهم‌ترین این استقرارها می‌توان از کوک تپه، اوزونکر، سنگیر، نور تپه، بورگولیک، چراغ تپه، افراسیاب، جارکوتان، قزل تپه، کوچوک، تیلیاتپه، طاهری، اودج تپه، داشلی، الخ تپه، یاسی تپه، یاز تپه، سایت ۹۹۹ مرو، جیران، استقرارهای حوزه رودخانه اترک و ... نام برد.

## مقایسه تطبیقی سفالینه‌های ساده منتسب به فرهنگ یاز I یاریم تپه درگز

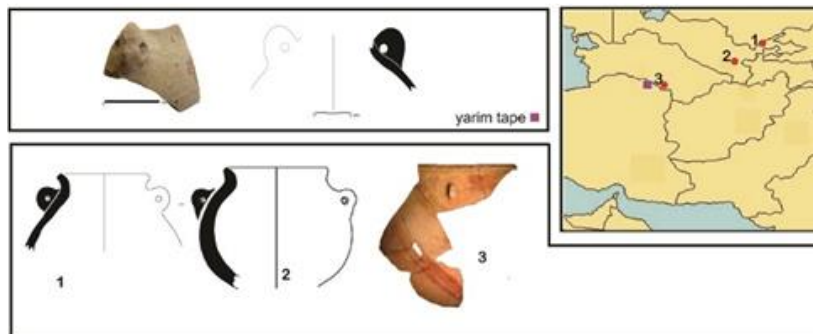
**گونه شماره ۱:** خمره ساده فاقد هر گونه نقش مایه، رنگ بدنه در بیرون و درون در طیف قرمز با تراکم بالای ماده چسباننده کانی که به وضوح تراکم این مواد معدنی در بدنه دیده می‌شود. نمونه مشابه این گونه سفالی از لحاظ فرم ظرف (مقایسه تطبیقی مبتنی بر لبه)، دستکم در ۵ محوطه شاخص در گستره آسیای میانه و خراسان قابل مشاهده است (شکل ۹).



شکل ۹: مقایسه تطبیقی گونه شماره ۱ سفال‌های ساده منتسب به فرهنگ یاز I یاریم تپه درگز با استقرارهای هم افق مناطق همجوار: ۱- یازتپه-واحه مرو ترکمنستان (Masson, 1959, pl XXVI)، ۲- کوک تپه، شمال سغد باستان، سمرقند ازبکستان (Lillier, 2010. Fig: 68)، ۳- سایت، ۹۹۹، واحه مرو، ترکمنستان (Bonora, 2008. fig: 11.12/1)، ۴- حوزه رود اترک، خراسان شمالی (Kohl & bisicione & ingraham, 1982. Fig: 2)، ۵- کوچوک، باکتریای شمالی، جنوب ازبکستان (Lillier, 2010. Fig: 117).

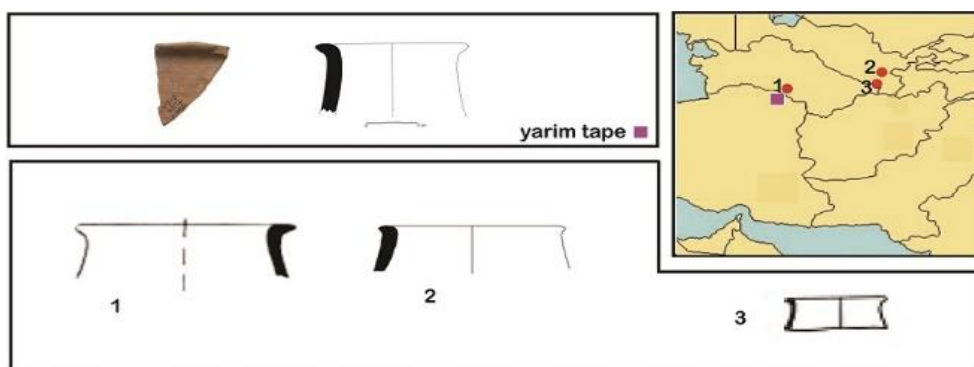


**گونه شماره ۲:** خمره ساده فاقد هر گونه نقش مایه، رنگ بدنه در بیرون و درون در طیف نخودی با تراکم متوسط ماده چسباننده کانی. این خمره دارای ۲ دسته دکمه‌ای عمودی کوچک و قرینه در دو سوی ظرف است این دسته‌ها در نزدیکی لبه ایجاد شده‌اند و دارای سوراخی در وسط دسته احتمالاً به منظور آویزان کردن هستند. نمونه مشابه این گونه سفالی از لحاظ فرم ظرف (مقایسه تطبیقی مبتنی بر دسته و فرم کلی ظرف)، دستکم در ۳ محوطه شاخص در گستره آسیای میانه قابل مشاهده است (شکل ۱۰).



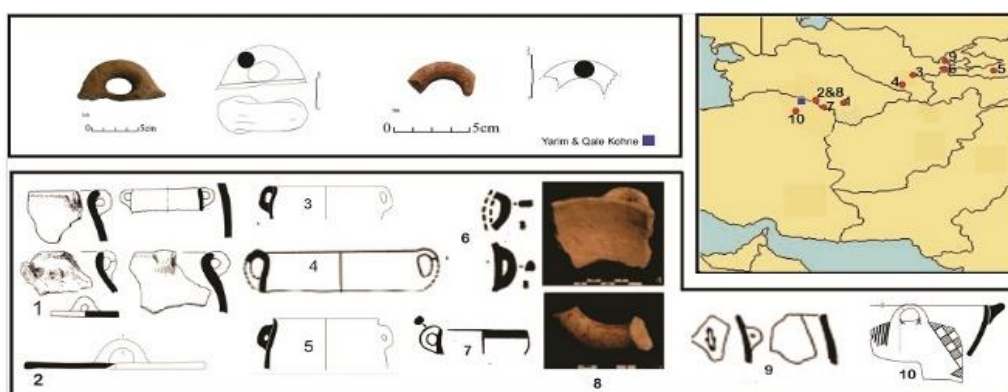
شکل ۱۰: مقایسه تطبیقی گونه شماره ۲ سفال‌های ساده منتسب به فرهنگ یاز I یاریم تپه درگز با استقرارهای هم افق مناطق همجوار: ۱- بورگولیوک، ناحیه چاچ باستان، تاشکند ازبکستان (Lillier, 2010. fig 133)، ۲- کوک تپه، شمال سغد باستان، سمرقند ازبکستان (Ibid. Fig: 71)، ۳- الغ تپه، حاشیه کپت داغ، ترکمنستان (Ibid. fig 133).

**گونه شماره ۳:** خمره ساده فاقد هر گونه نقش مایه، رنگ بدنه در بیرون و درون در طیف نخودی با تراکم متوسط ماده چسباننده کانی. این خمره دارای دهانه تنگ و گردن نسبتاً بلند است. نمونه مشابه این گونه سفالی از لحاظ فرم ظرف (مقایسه تطبیقی مبتنی بر لبه و فرم کلی ظرف)، دستکم در ۳ محوطه شاخص در گستره آسیای میانه قابل مشاهده است (شکل ۱۱).



شکل ۱۱: مقایسه تطبیقی گونه شماره ۳ سفال‌های ساده منتسب به فرهنگ یاز I یاریم‌تپه درگز با استقرارهای هم‌افق مناطق همجوار: ۱- یاسی‌تپه، حاشیه شرقی کپت‌داغ، ترکمنستان (Gutlyev, 1970. fig 22/10)، ۲- افراسیاب، شمال سغد باستانی، سمرقند ازبکستان (Liller, 2010. fig 83)، ۳- یوزونکر، جنوب سغد باستان، کشکا دریا، ازبکستان (Ibid. Fig:35).

**گونه شماره ۴:** دسته ساده فاقد هرگونه نقش مایه، رنگ بدنه در طیف نخودی و قرمز با تراکم متوسط ماده چسباننده کانی. این دسته به شکل مفتول استوانه‌ای تو پر است که عموماً به صورت عمودی و گاه افقی به بدنه ظروف دیگر مانند با دهانه عموماً باز و در نزدیکی لبه با تکنیک افزوده نصب شده‌اند. نمونه مشابه این گونه سفالی از لحاظ فرم (مقایسه تطبیقی مبتنی بر دسته و فرم کلی ظرف)، دستکم در ۱۰ محوطه شاخص در گستره آسیای میانه و خراسان قابل مشاهده است (شکل ۱۲).

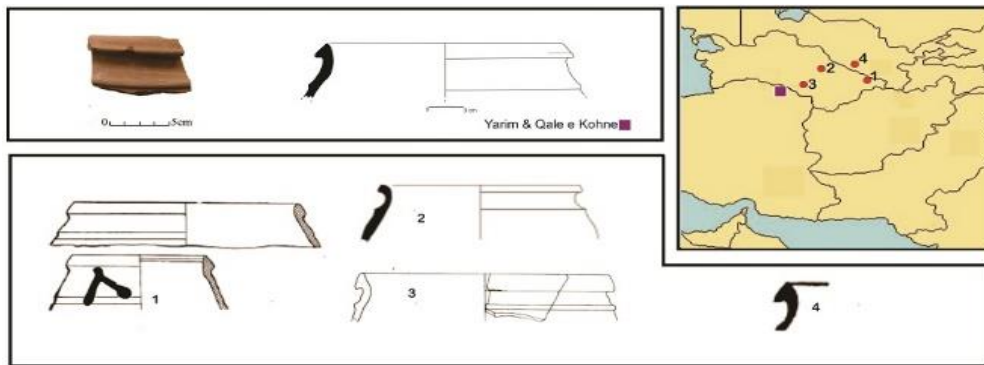


شکل ۱۲: مقایسه تطبیقی گونه شماره ۴ سفال‌های ساده منتسب به فرهنگ یاز I یاریم‌تپه درگز با استقرارهای هم‌افق مناطق همجوار: ۱- یازتپه، واحه مرو، ترکمنستان (Liller, 2010. fig 95)، ۲- الغ، حاشیه کپت‌داغ، ترکمنستان (Ibid. fig 86/4)، ۳- کوک‌تپه، شمال سغد باستان، سمرقند ازبکستان (Ibid. Fig:61/6)، ۴- یوزونکر، جنوب سغد باستان، کشکا دریا، ازبکستان (Lillier, 2010. Fig:35)، ۵- اش، فرغانه باستان، قرقیزستان (Ibid. fig 159)، ۶- نورتپه، استراچنا، شمال غرب تاجیکستان (Nematov, et al, 1982. Fig 3)، ۷- داشلی، حاشیه کپت‌داغ، ترکمنستان (Gutiyev&



Zadneproveskij, 1985. Fig 2) ۸- الغ، حاشیة کپت داغ، ترکمنستان (Lillier, 2010. fig 86/4)، ۹- تویابوگاز، چاچ باستانی، تاشکند، ازبکستان (Duke, 1982a. Fig 4/4)، ۱۰- جیران، اسفراین، خراسان شمالی (Vahdati, 2016: 95. Fig 4/h).

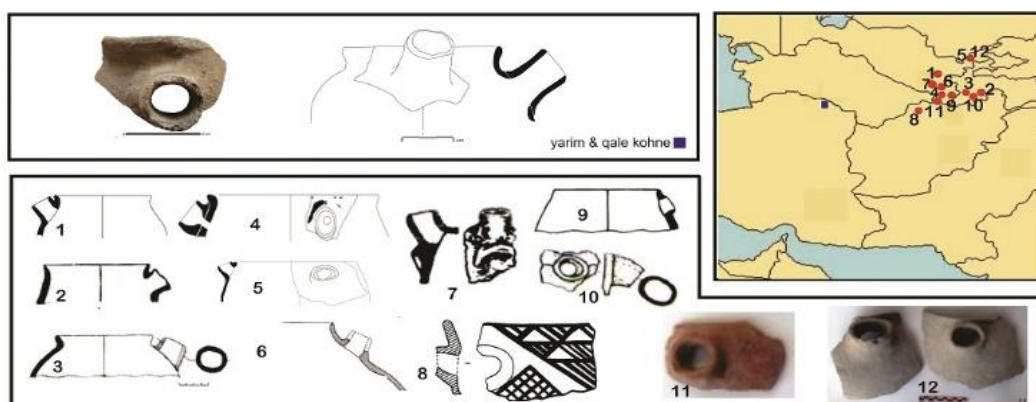
**گونه شماره ۵:** خمرة ساده فاقد هر گونه نقش مایه، رنگ بدنه در بیرون و درون در طیف قرمز با تراکم متوسط ماده چسبانده کانی. این خمرة دارای دهانه نسبتاً باز و با فرم تا حدودی استوانه‌ای و بدون شکم و شانه است. در امتداد لبه به برون برگشته این خمرة، نوارهای موازی برجسته دیده می‌شوند. نمونه مشابه این گونه سفالی از لحاظ فرم ظرف (مقایسه تطبیقی مبتنی بر لبه و فرم کلی ظرف)، دستکم در ۴ محوطه شاخص در گستره آسیای میانه قابل مشاهده است (شکل ۱۳).



شکل ۱۳: مقایسه تطبیقی گونه شماره ۵ سفال‌های ساده منتسب به فرهنگ یازا I یاریم تپه درگز با استقرارهای هم افق مناطق همجوار: ۱- قزل تپه، شمال بلخ باستانی، جنوب ازبکستان (Sagdullaev, 1985, fig 2)، ۲- طاهری، واحه مرو، ترکمنستان (Cattani & Genito, 1998: 25)، ۳- اودی تپه، ترکمنستان (Lillier, 2010. Fig: 24)، ۴- سنگیر، جنوب سفید باستانی، کشکادریا، ازبکستان (Ibid, fig 127).



**گونه شماره ۶:** ظروف کروی شکل ساده، فاقد هر گونه نقش مایه، رنگ بدنه در بیرون و درون در طیف نخودی با تراکم نسبتاً بالای ماده چسباننده کانی که به وضوح تراکم این مواد معدنی در بدنه دیده می‌شود. این ظروف کروی شکل-قوری مانند دارای دهانه نسبتاً تنگ و لوله کوتاه هستند که با تکنیک افزوده به بدنه و در نزدیکی لبه طرف با زاویه حدود ۴۵ درجه نصب شده است. این ظروف فاقد هرگونه دسته هستند. نکته حائز اهمیت در مقایسه تطبیقی این گونه، دستکم مبتنی بر پژوهش‌هایی که تا اکنون انجام شده عدم شناسایی آن در خراسان، حاشیة شرقی کپت داغ، واحه مرو و همچنین شمال افغانستان و جنوب ازبکستان در منطقه بلخ باستانی است و صرفاً این گونه سفالی در مرکز و شمال ازبکستان تاجیکستان و البته در یاریم تپه درگز شناسایی شده است. از این روی نمونه مشابه این گونه سفالی از لحاظ فرم ظرف (مقایسه تطبیقی مبتنی بر لوله، لبه و فرم کلی ظرف)، دستکم در ۱۲ محوطه شاخص و صرفاً در شرق آسیای میانه قابل مشاهده است (شکل ۱۴).



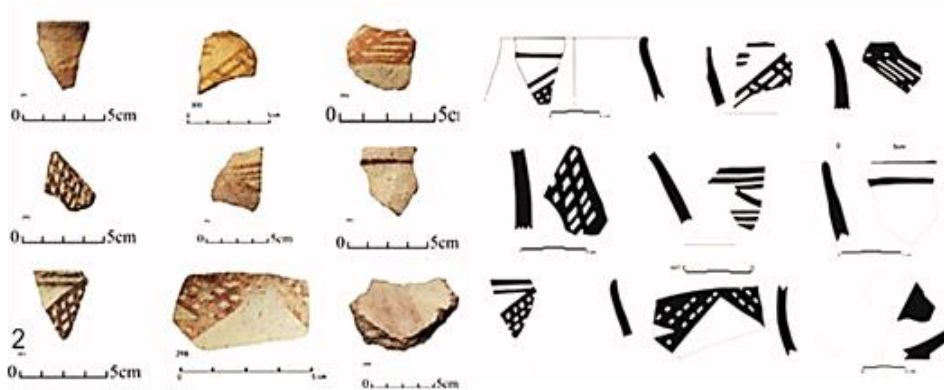
شکل ۱۴: مقایسه تطبیقی گونه شماره ۶ سفال‌های ساده منتسب به فرهنگ یاز I یاریم‌تپه درگز با استقرارهای هم‌افق مناطق همجوار: ۱- کوک‌تپه، شمال سغد باستان، سمرقند ازبکستان (Lillier, 2010, fig 73)، ۲- کریم‌پردی، شمال بلخ باستانی، ختلان، جنوب تاجیکستان (Vinogradova, 1993a. Fig 6/15)، ۳- کیروف، شمال بلخ باستانی، ختلان، جنوب تاجیکستان (Litiviskij & Solovjev, 1972. Fig 19)، ۴- چارکوتان، شمال بلخ باستانی، سرخن دریا، جنوب ازبکستان (Lillier, 2010, fig 110)، ۵- تویابوگر، چاچ باستانی، تاشکند، ازبکستان (Ibid, fig 137)، ۶- قزل‌تپه، شمال بلخ باستانی، سرخن دریا، جنوب ازبکستان (Sagdullaev, 1985, fig 2/10)، ۷- یوزونکر، جنوب سغد باستان، کشکا دریا، ازبکستان (Lillier, 2010. Fig:35)، ۸- تیلیا تپه، جنوب بلخ باستانی شمال افغانستان (Sarianidi, 1972, fig 12)، ۹- میرشاده، شمال بلخ باستانی، سرخن دریا، جنوب ازبکستان (Belajeva & Khakimov, 1973, fig 3)، ۱۰- تشگزار، شمال بلخ باستانی، ختلان، جنوب تاجیکستان (Vinogradova, 2001, fig 6)، ۱۱- کوچوک، شمال بلخ باستانی، سرخن دریا، جنوب ازبکستان (Ibid, fig 129)، ۱۲- تویابوگر، چاچ باستانی، تاشکند، ازبکستان (Lillier, 2010. Fig:113).

### مقایسه تطبیقی سفالینه‌های منقوش یاریم‌تپه

سفال‌های منقوش یاریم‌تپه به لحاظ کیفی کاملاً مشابه سفال‌های ساده فاقد نقش آن‌ها هستند. این گونه سفالی- دست‌ساز با گل خشن و بدون ورز در حرارت پائین تولید شده و دارای خمیرمایه پرتراکم و متشکل از دانه‌های ریز و درشت شن و ماسه است. پوشش این سفال‌ها به صورت گلابه رقیق تا غلیظ و در طیف نخودی تا آجری قرار دارند که با نقش‌مایه‌های ساده هندسی مانند مثلث و لوزی‌های مشبک و هاشور خورده و با رنگ‌های قهوه‌ای، نارنجی، شرابی و سیاه به صورت ابتدایی و با بی‌دقتی نقاشی شده‌اند (شکل ۱۵).

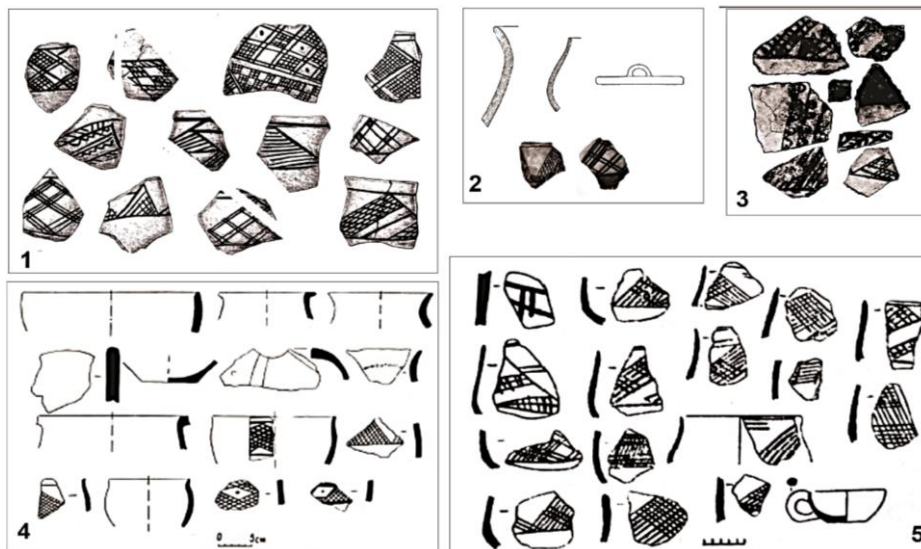
اساساً این گونه سفالی خشن با نقش‌مایه‌های مشبک و تورریزی شده به واسطه نوع تکنیک نقش‌اندازی نوعی رجعت به سلاقی هنری دستکم هزار سال پیش از آن را به نمایش می‌گذارد؛ چرا که استفاده از تکنیک تزئین نقاشی روی سفال در دوره مفرغ آغازین در فرهنگ نمازگاه IV روندی کاهشی داشت و در مفرغ میانه و پایانی با فرهنگ نمازگاه V و VI به فراموشی سپرده شده و سفالینه‌هایی ساده با فرم‌های متنوع و استاندارد رایج می‌شود. ظهور این سبک سفالی با این مشخصات خاص گسست عمیق فن‌آورانه را میان مفرغ جدید و آهن آغازین نشان می‌دهد و ظاهراً ظهور مردمانی با فرهنگی ابتدایی با الگوی معیشتی متفاوتی و صد البته کمتر آشنا به فن‌آوری‌های نوین در صنایع را بشارت می‌دهد. گستره زیر نفوذ این فرهنگ و فرهنگ‌های وابسته به آن با مرکزیت دامنه‌های کپت داغ و واحه مرو، تقریباً بخش بزرگی از آسیای میانه و خراسان را در بر گرفته است. از این میان، دشت درگز که به واسطه موقعیت خاص جغرافیایی به طور مستقیم به مناطق حاشیه قره قوم و کپت داغ متصل است و طبیعتاً بیش‌ترین انطباق فرهنگی را نیز با استقرارهای این نواحی دارد.





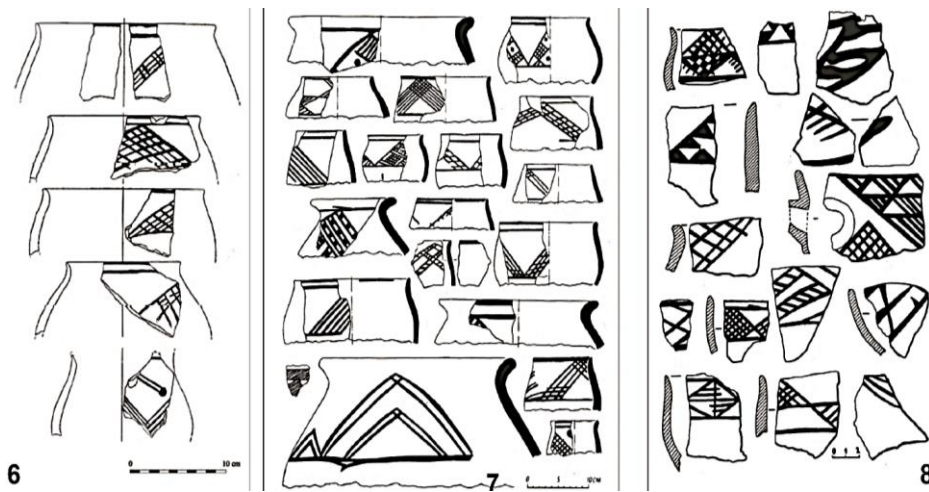
شکل ۱۵: ۱- و ۲- سفالینه‌های منقوش یازا I یاریم تپه (شیخ، ۱۳۹۳، لوحه ۴۳-۴۲) و ۳- سفالینه‌های یازا I قلعه کهنه میر قلعه درگز.

این هماهنگی و انطباق در جزئیات خاص فن‌آورانه در برخی از صنایع به ویژه سفال‌گری، به روشنی قابل مشاهده است. کلیت یکسان فرهنگی و به فراخور آن فن‌آوری در این گستره جغرافیایی (ترکمنستان و خراسان داخل مرزهای امروز ایران) دست‌کم سفالینه‌ها در کیفیت ساخت، نوع نقش مایه‌ها و گونه‌های ظروف تا اندازه قابل توجهی همانندی غیر قابل انکاری میان سفالینه‌ها ایجاد کرده است؛ از این روی نمونه سفالینه‌های منقوش منتسب به یازا I در دشت درگز با محوطه‌های شاخص این گستره جغرافیایی از جمله الغ، آنو، ادوان و داشلی حاشیه قره قوم و کپت داغ (شکل ۱۶)، یاز تپه، سایت ۹۹۹، از واحه مرو در ترکمنستان، تیلیا تپه شمال افغانستان (شکل ۱۷)، محوطه‌های حاشیه دره اترک، قوچان، جبران تپه اسفراین و نیشابور در شمال و مرکز خراسان (شکل ۱۸ الف) و هم‌چنین محوطه‌های جارکوتان، تویابوگای، سنگیر و... در مناطق مختلف ازبکستان مقایسه است (شکل ۱۸ ب).

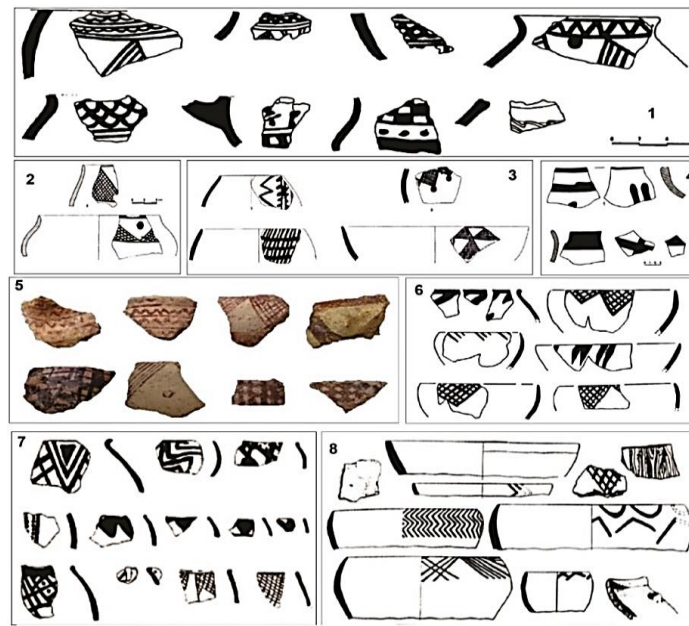


شکل ۱۶: محوطه‌های حاشیه شرقی کپت‌داغ ترکمنستان قابل مقایسه با یاریم تپه. ۱- الغ تپه (Sarianidi & Koshlenko, 1985b: 356, fig. 234, pl. 35.8), ۲- آنو، (Pumphry, 1908, fig. 234, pl. 35.8), ۳- ادوان تپه (Masson, 1956, pl. XLI), ۴- یاز تپه (Gutlyev & zadneprovskij, 1985, fig. 2), ۵- داشلی حاشیه (Gutlyev 1970, fig. 22).





شکل ۱۷: محوطه‌های واحه مرو ترکمنستان و شمال افغانستان قابل مقایسه با یاریم تپه. ۱- سایت ۹۹۹ (Banora & Vidale, 2008, fig 11.18)، ۲- یازتپه (Masson, 1959, pl: XXII)، ۳- تیلیاتپه جنوب لاج باستانی، شمال افغانستان (Masson & Sarianidi, 1972, fig.12).



شکل ۱۸: الف: ۱- ۵ محوطه‌های خراسان ایران، ب: ۶- ۸ محوطه ازبکستان قابل مقایسه با یاریم تپه. ۱- دره اترک (Kohl & Biscione & Ingraham, 1982, fig: 2)، ۲- دره اترک (Ricciardi, 1980, fig: D)، ۳- نیشابور (Hibert & dyson, 2002, fig: 10)، ۴- قوچان (Sarianidi, 1972a, fig: 54)، ۵- دشت اسفراین ( وحدتی، ۱۳۹۴، تصویر ۶)، ۶- چارکوتان شمال بلخ باستانی، جنوب ازبکستان (Askarov & Albaum, 1972, pl.LXIII)، ۷- تویابوگای، چاچ باستانی، تاشکند، ازبکستان (Duke, 1982b, fig.12)، ۸- سنگیرتپه، جنوب سغد باستانی، کشکادریا، ازبکستان (Lillier, 2010).

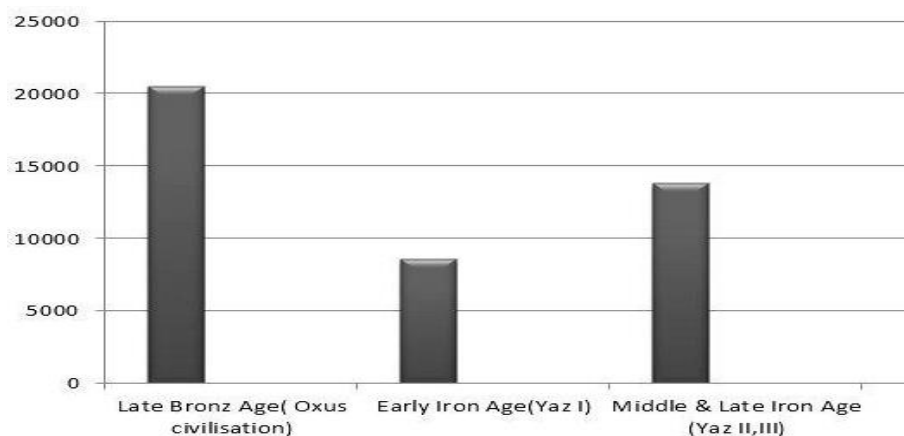
Fig:36)



## برآیند

عصر آهن در نیمه شرقی شمال شرق فلات که پیوسته در معرض اصطکاک با فرهنگ‌های ابتدایی‌تر جنوب سیبری قرار داشته، با شکلی متفاوت از فرهنگ‌های داخلی ظاهر می‌شود. و ظاهراً هیچ نوع قرابت فرهنگی و نسبت فن‌آورانه‌ای نیز با عصر آهن فلات و حتی ناحیه دهستان که در همسایگی آن قرار گرفته، ندارد. این فرهنگ نوظهور تا اندازه‌ای با جوامع ابتدایی و کوچروی جنوب سیبری قابل مقایسه و ظاهراً بی‌تأثیر از آن‌ها نیز نبوده است. آنچه مسلم است مردمان کوچرو و یکجانشین ساختارهای اقتصادی متفاوت دارند و به همین جهت استراتژی بهره‌برداری آن‌ها نیز از منابع طبیعی، نوع و شکل فن‌آوری برای بهره‌برداری از محیط پیرامون و همچنین واکنش آن‌ها در قبال بحران‌های طبیعی که فرهنگ خاص خود را می‌آفرینند، نیز متفاوت است.

در این دوران بسترهای فرهنگی اجتماعی دچار دگرگونی‌های گسترده‌ای می‌شوند و استقرارها که پیش از این در دوره مفرغ پایانی از لحاظ شاخص‌های تمدنی در اوج شکوفایی و بسیار پیش‌تاز بوده‌اند به یک‌باره دچار فروپاشی می‌شوند و به تبع آن گستره استقرارها نیز کاهش قابل توجه‌ای پیدا می‌کنند. به موازات این تغییرات در نظام‌های سیاسی متمرکز شبه دولت شهر، ساختارهای شهری، شیوه معیشت و نظام طبقات اجتماعی هم دگرگون و پیرو آن روند رو به رشد بسیاری از صنایع (به ویژه سفال‌گری) نیز دچار افت محسوس می‌گردند. تغییر الگوی استقرار و کاهش مساحت در تمام گستره زیر نفوذ این فرهنگ نوظهور، متغیری مشترک و سراسری محسوب می‌شود. این مسئله به روشنی در استقرار آهن قدیم یاریم تپه درگز نیز قابل مشاهده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد گستره استقرار از ۲۰۵۵۰ متر مربعی در مفرغ پایانی با کاهش ۱۹۳۰ متر مربعی در آهن آغازین مواجه و نسبت به دوره پیشین به نصف کاهش می‌یابد که بی‌ارتباط با تغییر الگوی معیشت نیست. این روند کاهش با گذر زمان در آهن میانه متوقف و سپس رو به گسترش می‌گذارد (نمودار ۲). گفتنی است دامنه پراکندگی مواد فرهنگی سطحی یاریم‌تپه در هر دوره که مبنای تعیین گستره استقرارها (۵) قرار گرفته است به وضوح نشان از افزایش مساحت استقرار در آهن میانه و جدید دارد.



نمودار ۲: مقایسه گستره استقرار آهن آغازین (یاز I) نسبت به مفرغ پایانی (جیحون) و آهن میانه و جدید (یاز II و III) در یاریم تپه درگز.

اساساً تغییر گستره استقرار، رابطه‌ای مستقیم با دگرگونی جمعیت دارد و عوامل گوناگونی نیز می‌توانند در افزایش یا کاهش جمعیت فراتر از نسبت استاندارد یک استقرار دخیل باشند که از آن جمله می‌توان به بحران‌های فرهنگی و همچنین رخدادهای زیست محیطی یا به عبارت دیگر دگرگونی زیست بوم به مثابه یک کل فرهنگی-زیستی در هم تنیده، اشاره کرد. از این رو دور از ذهن نیست بحران‌های احتمالی در حاشیه قره قوم، دشت درگز و به تبع آن یاریم تپه را به عنوان

استقرار مرکزی این دشت نیز تحت تاثیر قرار داده باشند. به عنوان مثال با بروز بحران‌های جدی اقلیمی در حاشیای قره‌قوم این دشت می‌توانسته همانند منطقه‌ای ایزوله و دور از کانون بحران و در قالب جامعه پذیرنده باز، در قبال عده‌ای از مهاجران احتمالی حاشیای قره‌قوم عمل کرده باشد (در حد فرضیه) (شیخ، ۱۳۹۳: ۲۴۵).

دشت درگز به واسطه موقعیت ویژه جغرافیایی به‌طور مستقیم به مناطق حاشیای قره‌قوم متصل و بخشی از این ناحیه محسوب می‌شود تا خراسان داخلی؛ از این روی به صورت طبیعی بیش‌ترین هماهنگی فرهنگی را نیز با استقرارهای این نواحی به‌ویژه حاشیای شرقی کپت‌داغ و واحه مرو دارد. این هماهنگی در جزئیات خاص فن‌آورانه در برخی از صنایع به‌ویژه سفال‌گری به روشنی قابل مشاهده و بررسی است. دست‌کم سفالینه‌ها در کیفیت ساخت، نوع نگاره‌ها و شکل ظروف تا اندازه قابل توجه‌ای همانندی غیر قابل انکاری با استقرارهای جنوب ترکمنستان دارند که به روشنی این هماهنگی در دوره آهن آغازین با فرهنگ یاز I در برآیند مقایسه تطبیقی نمونه‌های سفالی منتخب یاریم تپه مورد تأیید قرار گرفت.

گستره شرقی نفوذ فرهنگ یاز-آسیای میانه- به واسطه پژوهش‌های پیوسته تا حدود زیادی مشخص شده اما دامنه پیشروی این فرهنگ در گستره غربی آن-خراسان- چندان روشن نیست اما آن‌چه از اندک پژوهش‌های میدانی و بررسی‌های جسته و گریخته برمی‌آید دامنه نفوذ این فرهنگ در بخش ایرانی آن تا حدودی هماهنگی معناداری با حوزه زیر نفوذ مجموعه باستان شناختی بلخی-مرو در مفرغ پایانی در این ناحیه دارد. این هم‌پوشانی نسبی به ظاهر هم‌سو با فرضیه پیوستگی فرهنگی دوره مفرغ پایانی و آهن آغازین یا به عبارتی تمدن خراسان بزرگ (BMAC) به یاز I که توسط برخی از پژوهش‌گران این حوزه مطرح شده، چندان بی‌ارتباط نیست. ایشان معتقداند که علی‌رغم بروز پدیده‌های اقتصادی قابل توجه در آهن آغازین، هم‌چنان شکلی از همان سیستم‌های رایج در اواخر نمازگاه VI در مفرغ پایانی با سازمان‌های فرهنگی اجتماعی این دوران هم‌پوشانی‌هایی دارند (Riccardi, 1980:58) اما این فرضیه گسست عمیق در روند رو به رشد فن‌آوری-از مفرغ پایانی به آهن آغازین- دست‌کم در صنعت سفال‌گری، فلزگری، معماری و ... را نتوانسته پر کند؛ بنابراین انگاره‌هایی چون رویدادهای فرهنگی از جمله مهاجرت، تخلیه استقرارها، پیچیدگی بیش از حد و برخورد‌های فرهنگی خشونت آمیز، بیماری فراگیر و حتی تعامل و آمیزش فرهنگی را نمی‌توان از نظر دور داشت.

## پی‌نوشت

۱- پژوهش فوق برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده مسؤل در گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان به راهنمایی دکتر روح الله شیرزی است که در بهمن ۱۳۹۳ دفاع شده است.

4. Burguluyuk 3. Kuzli Gur 2. Dalverzhin

۵- منظور از گستره استقرار دامنه پراکندگی مواد فرهنگی سطحی در هر دوره، مطابق با نتایج بررسی سیستماتیک یاریم تپه است.



## کتابنامه

باصفا، حسن. (۱۳۹۲). گزارش مقدماتی فصل سوم کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه شهرک فیروزه نیشابور، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، منتشر نشده.

باقی‌زاده، سعید. (۱۳۹۱). بررسی و مطالعه الگوهای پراکنش پیش از تاریخ دشت درگز از دوران نوسنگی تا پایان عصر آهن IV، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، منتشر نشده.

بختیاری شهری، محمود. (۱۳۷۵). گزارش بررسی باستان‌شناختی دشت درگز، اداره کل میراث فرهنگی خراسان، منتشر نشده.

سید سجادی، سید منصور. (۱۳۹۵). *باستان‌شناسی آسیای مرکزی (جلد دوم)*، تهران: انتشارات سمت.

شیخ، محمد. (۱۳۹۳). *بررسی سیستماتیک یاریم تپه درگز (بررسی و شناسایی استقرار پیش از تاریخ یاریم تپه و تدوین گاهنگاری با استناد به یافته‌های سفالی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان. منتشر نشده.

کوهل، فیلیپ ال. و دنیس. ال. هسکل. (۱۳۷۸). «بررسی باستان‌شناختی دشت درگز»: ترجمه: قدیر افروند؛ خراسان پژوهی، سال اول و دوم، صص. ۱۷-۳۲.

گاراژیان، عمران و همکاران. (۱۳۹۱). گزارش گمانه زنی به منظور ارزیابی ایجاد موزه فضای باز در محوطه دامغانی سبزوار، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی، منتشر نشده.

گاراژیان، عمران. (۱۳۷۷). *بررسی باستان‌شناختی محل‌های پیش از تاریخی حاشیه رودخانه درونگر واقع در شمال شرق استان خراسان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.

وحدتی، علی اکبر. (۱۳۹۴). «عصر مفرغ و آهن در خراسان (۱۵۰۰ تا ۵۰۰ پ.م)»، گذری بر باستان‌شناسی خراسان، صص. ۳۹-۴۹.

وحدتی، علی اکبر. (۱۳۹۳). «کاوش در جیران تپه»، دوازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، صص. ۴۵۹-۴۶۴.

**Askarov, A.A. & L.I. Al'baum. 1979.** Poselenije Kuchuktepa. Tashkent: FAN (in Russian).

**Beljaeva T.V., Khakimov Z.A., 1973,** «Drevnebaktrijskie pamjatniki Mirshade », in Pugachenkova, G.A., Iz istorii antichnoj kul'tury Uzbekistana, Tashkent, Gafur Gulom: 35-50.

**Biscione.R & A.Vahdati, 2011** "Excavation at tepe Chalow, North Khorasan, Iran" studi Micenci ed Egeo- Anatolica 53: 23- 240.

**Bonora, Gian Luca and Massimo Vidale, 2008;** The Middle Chalcolithic in southern Turkmenistan and the archaeological record of Ilgynly-depe; Sites and regions, pp;140-165.



**Boucharlat, Remy, Henri-Paul Francfort, Olivier Lecomte, 2005;** The citadel of Ulug depe and the Iron age archaeological sequence in southern central Asia; *Iranica Antiqua*, vol. XL.

**Cattani, M. And B. Genito, 1998;** "The Pottery Chronological Seriation of the Murghab Delta from the End of the Bronze Age to the Achaemenid Period: a Preliminary Note", In *The Archaeological Map Of The Murghab Delta; Preliminary Reports 1990-95*, Edited By A. Gubaev & G. Koshelenko & M. Tosi, ISIAO, Pp. 75-89.

**Duke K., 1982b,** "Chirakchinskoe poselenie", *I.M.K.U.*, 17 : 19-29.

**Duke. K., 1982a,** Tujabuguzskie poselenija burguljukskoj kul'tury, Tashkent, FAN

**Gubaev. A, Koshelenko G. A., Tosi M., 1998,** The Archaeological Map of the Murghab Delta. Preliminary Reports 1990-95. (Reports and Memoirs, vol. Series Minor Volume III), Rome, ISIAO, XXXVII", ia 37: 111-47. Centro Scavie Ricerche Archeologiche

**Gutlyev.G, 1970,** "Raboty na poselenii rannezheleznogo veka Yasi-depe i i Baba-Durmaza", *K.D.*, III : 64-71.

**Gutlye. G. Zadneprovsky, 1985,** Yashildepe reference monument of the Early Iron Age in the territory of the Northern Parthia. Proceedings of the Academy of Sciences of the Turkmen SSR 4, 1985, 44-50.

**Hibert, Fredrik and Robert H. Dyson Jr, 2002;** Prehistoric Nishapur and the frontier between Central Asia and Iran; *Iranica Antiqua*, Vol.

**Iitina M .A., 1977,** Istorija stepnykh plemen Juzhnogo Priaral'ja, Trudy Khorezmskoj Arkheologicheskoy Ekspeditsii, vol.10, Moscou, Nauka.

**Khlopina, 1981:** "The early Bronze age cemetery of parhay ii: the first two seasons of excavations: 1977-78", in Kohl, p. l. (ed.), *the Bronze age Civilization of Central asia. Recent Soviet discoveries*, m.e. sharpe, new york: 3-34.

**Kohl P.L. & Heskell D.L. 1980,** "Archaeological Reconnaissance on the Darreh Gaz Plain : a Short Report", *Journal of Persian Studies*, XVIII : 160-172

**Kohl, Philip I, Rafaello Biscione, Michael I. Ingraham, 1982;** Implications of recent evidence for the prehistory of northeastern Iran and southwestern Turkmenistan; *Iranica, Antiqua*, XVII,

**Kohl, Philip L; 1984;** Central Asia palaeolithic beginnings to the Iron Age, Central Asia des origins a l'age du fer; Editions Research on Civilizations, Paris.

**Kuzmina E.E., 2008,** The Prehistory of the Silk Road, Philadelphia, University of Pennsylvania Press.

**Lecomte,O, 2005;** « The Iron Age of Northern Hyrcania» *Iranica Antiqua*, vol. XL, 2005, p. 461-478.

**Lhuiller, Johanna; 2010;** Le phénomène des «cultures à ceramique modelée peinte» en Asie centrale dans l'évolution et la transformation des sociétés de la fin de l'âge du Bronze et du début de l'âge du Fer (Ile-1er millénaire avant n.è.). Une synthèse comparative et régionale de la culture Tillyérielle, PhD, Université Paris 1 Panthéon-Sorbonne.



**Litvinskij B.A., Solov'ev V.S., 1972**, "Stojanka stepnoj bronzy v Juzhnom Tadzhikestane", U.S.A., 1 : 44-47.

**Masson ,V. M., 1956**; Monuments Of Stone And Bronze Age Culture Of Southern Turkmenistan, Vol. VII, Ashgabat.

**Masson V.M, Sarianidi, V.I.,1972** "Central Asia. Turkmenistan before the Achaemenids" Tames and Hudson. Ancient Peoples Places, 79, Londres.

**Masson,V. M.,1959**, Drevnzemeledel'cheshkaja kul'tura margiany,M.I. A.,vol. 73, moscou, Nauka.

**Negmatov N.N., Belyaeva T.V., Mirbabaev A.K. 1982**, To the discovery of the city of the Late Bronze Age and Early Iron Age - Nurtepa. — [in:] The culture of the primitive era of Tajikistan (from the Mesolithic to the Bronze Age). Dushanbe, 1982, p. 89-111.

**Pigott V. C. 1980a** , "Research at the University of Pennsylvania on the Development of Ancient Metallurgy. Research at MASCA," Paléorient 6, , pp. 105-10.

**Pumpelly R. 1908**, Explorations in Turkestan. Prehistoric Civilizations of Anau, Washington, Carnegie Institute.

**Ricciardi, R. Vencco,1980**; Archaeological Survey in The upper atrek valley (Khorassan, Iran): Preliminary Report; Iranica, Antiqua, XVII.

**Sagdullaev,A.s. 1985**, "sootnshenii drevnzemeledel cheskikh kompleksov Fergany I Baktrii, Sovetskaja arkhologija 4:21-32.

**Sarianidi and Viktor, 1972**; Excavations of Tillya-Tepe in Northern Afghanistan. THE SCIENCE. Tillya-Tepe v severnom Afghanistan , NAUKA. Moscow. "Fouilles de Tillya-Tepe en Afghanistan du Nord". NAUKA. Moscow.

**Sarianidi V.I., Koshelenko G.A. 1985**. Merv oasis, northern Parthia, Serakh oasis, northern Bactria, in: G.A. Koshelenko (ed.), Ancient States of the Caucasus and Central Asia, Moscow, Nauka. 181-192.

**Vahdati.Ali.A. 2016**, "A Preliminary Report On The First Season Of Excavation At Jayran Tepe In The Plain Of Esfarayen At Northatern Iran 2012", Iranica Antiqua, Vol.LI.

**Vinogradova N.M. 1993a**, « Interrelation between Farming and "Steppe" Tribes in the Bronze Age South Tadjikistan », in A.J. GAIL and G.J.R. MEVISSSEN, South Asian Archaeology 1991, Stuttgart, F. Steiner Verlag :289-301.

**Vinogradova N.M., 2001a**, "Poselenie epokhi pozdnej bronzy-Tashguzor v Juzhnom Tadzhikestane", in SEDOV A.V., Drevnie tsivilizatsii Evrazii. Istorija i kul'tura, Moscou, I.V. R.A.N.142-168.

